

## تحلیل قابل گذشت یا غیر قابل گذشت بودن بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای در پرتو حقوق کیفری ایران و فقه امامیه

دکتر علیرضا درزی رامندی

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

**Email:** [ramandialireza50@gmail.com](mailto:ramandialireza50@gmail.com)

زهرا میرزائی راد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کامپیوتر، دانشگاه امیرکبیر، تهران، ایران

### چکیده

با توجه به اینکه فضای مجازی به بخش مهمی از زندگی بشر امروزی، تبدیل شده است به نحوی که افراد، بیشتر اوقات بیداری خود را در آن می‌گذرانند بالتبع، جرایم که قبلاً در فضای حقیقی، احتمال تحقق داشتند امکان ارتکاب زیادی در فضای مجازی خواهند داشت به طوری که هر روزه، بزه‌های مختلفی علیه شخصیت معنوی افراد در این فضا، شکل می‌گیرد که یکی از بزه‌های شایع در این فضا، بزه نشر اکاذیب می‌باشد که در مورد قابل گذشت بودن یا نبودن آن، بین حقوق‌دانان، اختلاف نظر وجود دارد که جامعه‌ی قضایی کشور، به‌طور ویژه، با آن درگیر است که تعدد پاسخ‌های اداره کل حقوقی قوه قضاییه در قالب نظریه مشورتی، دلالت کامل بر آن دارد. در این پژوهش، در جهت رسیدن به پاسخی مستدل و مستند به مسئله، اقدام و به این نتیجه، نائل آمدیم که در مورد بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای، با توجه به ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی، باید بین مواردی که شخص یا اشخاص معین، بزه‌دیده می‌باشند با مواردی که جامعه، هدف بزه، قرار گرفته است تفکیک قائل شد و نمی‌توان به طور مطلق، حکم به قابل گذشت یا غیر قابل گذشت بودن بزه مذکور کرد.

واژگان کلیدی: جرم قابل گذشت، جرم غیر قابل گذشت، نشر اکاذیب رایانه‌ای، نشر اکاذیب.

### مقدمه

جامعه، ابتدا دارای ساختاری ساده بوده است اما به تدریج که جامعه پیچیده می‌شود، نهادهای مختلف دیگری مانند دولت، مذهب، اقتصاد و آموزش و بسیاری از نهادهای فرعی دیگر مانند دستگاه قضایی و پلیس، متولد می‌شوند.<sup>۱</sup> به نظر روسو، مردم در پیوند و همبستگی با یکدیگر، یک جامعه سیاسی یا دولت، تأسیس می‌کنند تا حافظ جان و آزادی و دارایی آنها باشد.<sup>۲</sup> به عقیده‌ی دورکیم، جرم، پدیده‌ای نابه‌هنجار نیست چون در همه‌ی جوامع بشری، وجود داشته است.<sup>۳</sup> ولی تا قبل از

۱. سبزه‌ای، «جامعه مدنی به مثابه قرارداد اجتماعی»، ۶۸.

۲. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ۳۵۴.

۳. دورکیم، قواعد روش جامعه‌شناسی، ۸۳.

تشکیل دولت‌ها، چون انتقام شخصی، اساس کار افراد بوده و در واقع، دادگستری خصوصی، حاکم بر روابط افراد بوده است آنچه امروزه به عنوان جنبه عمومی جرایم از آن، یاد می‌شود وجود نداشته و جرایم، فقط واجد جنبه خصوصی بوده‌اند.

با گذشت زمان که دولت‌های متمرکز، شکل گرفته‌اند در عرصه نظر و علوم بشری، نظریه قرارداد اجتماعی پا به میدان، نهاده است و برای موجه ساختن کیفر مجرمان، مصلحت جامعه بر مصلحت افراد، ارجح و اولی شده، برای هر جرم، یک جنبه و حیثیت عمومی نیز در نظر گرفته شده است. پس از مدتی، برخی از جرایم که به لحاظ جنبه عمومی، دارای اهمیت کمتری بوده‌اند از طرف دولت‌ها، قابل گذشت محسوب شده‌اند. با توجه به این که در این دوره، جرم بر پایه اخلال در نظم عمومی، تعریف شده است لذا غیرقابل گذشت بودن جرایم به عنوان اصل، قرار گرفته و قابل گذشت شدن آن به عنوان استثناء، تلقی گشته است.<sup>۴</sup> مقنن نیز، از ابتدای قانون‌گذاری، در کنار اصل غیرقابل گذشت بودن جرایم، همواره استثنائاتی بر این اصل، وارد کرده و تعدادی از جرایم را قابل گذشت، اعلام کرده است. با این وجود، در هر دوره، در مورد اینکه بعضی از جرایم، در زمره جرایم قابل گذشت، قرار می‌گیرند یا مطابق اصل و قاعده، در زمره جرایم غیرقابل گذشت می‌باشند اختلاف نظر بوده و هست. من جمله جرایمی که در مورد قابل گذشت بودن یا نبودن آنها، بین حقوق‌دانان، اختلاف، وجود دارد جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای می‌باشد که جامعه قضایی کشور، به طور ویژه، با آن درگیر است و "دادرسی در این باره، به جای تفسیر شخصی و سلیقه‌ای باید به اندیشه حاکم بر جامعه و مصالح کشور خود، مراجعه کند"<sup>۵</sup> و از این طریق، به منظور مقنن، پی برد که تعدد پاسخ‌های اداره کل حقوقی قوه قضائیه در قالب نظریه مشورتی، راجع به موضوع، دلالت کامل بر آن دارد که قضات محترم رسیدگی کننده به پرونده‌های منتهی به رضایت در این دسته از جرایم، تا چه حد، دغدغه‌ی ذهنی در جهت کشف اراده واقعی مقنن داشته‌اند و در راستای دستورالعمل نحوه استعمال حقوقی و پاسخ به آن در قوه قضائیه<sup>۶</sup>، برای رسیدن به راهکار قانونی، اقدام نموده‌اند که متأسفانه، پاسخ‌های اداره حقوقی نیز در مواردی، متعارض با موارد قبلی، اعلام شده و نه تنها، مشکل را حل نکرده است بلکه به سردرگمی قضات محترم رسیدگی کننده به موضوع، افزوده است.

با توجه به اینکه هر تحقیقی، باید اهدافی به دنبال داشته باشد اهداف این تحقیق، روشن شدن قابل گذشت بودن یا نبودن بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای می‌باشد که بالتبع، نتیجه با توجه به معیاری که بدست خواهد آمد در جرایم دیگر که وضعیت مشابه دارند نیز قابل اجرا خواهد بود. روش تحقیق برای رسیدن به اهداف، روش تحقیق کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از طریق آن می‌باشد که متعاقب آن، داده‌ها به صورت تحلیلی - توصیفی، مورد بررسی و در نهایت، نتیجه‌گیری، قرار گرفته‌اند. در زمینه‌ی پیشینه‌ی تحقیق، باید متذکر شد با وجود آنکه در حوزه نشر اکاذیب، اعم از سنتی یا رایانه‌ای، پژوهش‌های زیادی، صورت

<sup>۴</sup> . اصغری اندواری، جرایم قابل گذشت با تاکید بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ۱.

<sup>۵</sup> . صادقی، «مفهوم و اعمال نظم عمومی»، ۹۲.

<sup>۶</sup> . ماده ۱: «اداره کل حقوقی قوه قضائیه» مرجع قانونی پاسخگویی به استعلامات حقوقی قضات، مدیران ستادی مراجع قضایی یا اداری قوه قضائیه و مراکز، سازمان‌ها و موسسات تابعه این قوه است.

گرفته است اما راجع به جنبه‌ی مدنظر تحقیق حاضر، که قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن بزه مذکور می‌باشد تحقیقی صورت نگرفته است.

قبل از ورود به موضوع، بدواً به طور اجمالی به تعریف بزه مذکور و ارکان آن پرداخته می‌شود سپس مقایسه‌ای با مصداق سنتی بزه به عمل می‌آید و مروری بر روش‌هایی که توسط قانون‌گذاران در مورد قابل گذشت شمردن برخی از جرایم و تفکیک آنها از جرایم غیرقابل گذشت به کار برده و می‌برند به عمل می‌آید و بعد از آن، به بررسی تقسیم جرایم از جنبه‌ی صاحب حق در فقه امامیه و نظریه‌های مشورتی راجع به موضوع، پرداخته و در نهایت، به ارزیابی و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

## ۱) مفهوم‌شناسی بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای

برای ورود به موضوع و مفهوم‌شناسی بزه مذکور، ناگزیر از پرداختن به مفاهیم دروغ، شایعه و فضای مجازی و سایر می‌باشیم. {کذب از جمله مصداق مفاهیم گمراه کننده است و ادله احکام معتبر در فقه، حاکی از ممنوعیت و حرمت آن است.<sup>۷</sup>

در آموزه‌های دینی اسلام، حتی در جایی که دروغ گفتن به حسب شرع، جایز است مؤمنان از گفتن صوری دروغ، منع شده‌اند تا نفس انسان به دروغ، عادت نکند.<sup>۸</sup> سرمایه اجتماعی در هر نظامی بر اعتماد و صداقت، بنا شده است و به هر میزان که این اعتماد، افزایش یابد میزان سرمایه اجتماعی، افزایش خواهد یافت<sup>۹</sup> با وجود ناپسند بودن دروغگویی، مطالعات تجربی، حاکی از شیوع دروغ در روابط اجتماعی است.<sup>۱۰</sup> دی پاولو در تحقیقی، به این نتیجه دست یافت که افراد در روز، یک یا دو دروغ می‌گویند<sup>۱۱</sup> افراد با انگیزه‌های مختلفی مرتکب دروغ می‌شوند. این انگیزه‌ها را می‌توان در قالب کلی منافع مادی یا روانشناختی برای خود فرد یا دیگران، معرفی کرد.<sup>۱۲</sup>

{ نشر اکاذیب در فرهنگ اصطلاحات حقوقی، انتشار و اشاعه با سوءنیت اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع، تعریف شده است.<sup>۱۳</sup> و در تعریفی دیگر، بیان شده انتشار و اشاعه اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع به قصد اضرار به غیر، یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی را نشر اکاذیب گویند.<sup>۱۴</sup> به جرم نشر اکاذیب، اظهار اکاذیب نیز می‌گویند و منظور این است که

<sup>۷</sup>. علی اکبری و دیگران، «بازپژوهی امکان و روایی انتشار اکاذیب از دیدگاه فقه امامیه»، ۴۵.

<sup>۸</sup>. نراقی، معراج السعاده، ۵۷۶.

<sup>۹</sup>. ایازی، «بررسی ضعف صداقت (دروغگویی) در آموزه های قرآن»، ۶۰.

<sup>۱۰</sup>. آزاد، «روان شناسی دروغگویی»، ۵۹.

<sup>۱۱</sup>. Paulo, Lying in everyday life, 979.

<sup>۱۲</sup>. آزاد، «روان شناسی دروغگویی»، ۵۷.

<sup>۱۳</sup>. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۷۱۴.

<sup>۱۴</sup>. شکر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ۸۱۱.

مرتکب، مطالب و اموری را که می‌داند حقیقت و واقعیت ندارد به اشخاص یا مقامات رسمی، اظهار نماید. در اظهار اکاذیب، اعمال معین به شخص یا اشخاص، نسبت داده نمی‌شود بلکه اخبار یا مطالب دروغ به طور کلی، اظهار می‌شود.<sup>۱۵</sup>

با نگاه مختصری به دوران‌های گذشته، روشن می‌شود که "از نظر تاریخی، حمایت از آزادی معنوی افراد مانند آزادی جسم، از گذشته، مورد توجه ادیان الهی و قوانین موضوعه بشری قرار گرفته و "حفظ حرمت، آبرو و حیثیت معنوی اشخاص، یکی از قواعد اخلاقی، مذهبی و حقوقی در تمام کشورهای جهان است"<sup>۱۶</sup> که در علل ایجاد جرائم علیه شخصیت معنوی، متغیرهایی مستقل از قبیل تضاد فرهنگی، بی‌سوادی، فقر، مهاجرت، سن، جنس، مکان و زمان، نقش اساسی دارند،<sup>۱۷</sup> که با توجه به فزونی یافتن استفاده از فضای مجازی به واسطه‌ی گسترش شبکه جهانی اینترنت، جرایم ارتكابی در این بستر نیز، به موازات آن، افزایش یافته است.

که می‌توان ویژگی‌های خاص جرایم رایانه‌ای را به این ترتیب برشمرد: «گسترده‌گی، فراوانی، فرامرزی بودن، وقوع سهل و آسان، تنوع، جذابیت زاید الوصف، ابهام حقوقی».<sup>۱۸</sup> سایر یک گستره بدون مرز است که نمی‌توان در برابر آن، خطوط مقسم کشید یا با مرزهای طبیعی یا مصنوعی، آن را تکه و جدا ساخت.<sup>۱۹</sup> در واقع، سامانه‌ای جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته است<sup>۲۰</sup> که یکی از جرایمی که با کثرت وقوع آن در این فضا، مواجه هستیم و هر روز نیز بر دامنه آن، افزوده می‌شود نشر اکاذیب می‌باشد. سرعت شایعه پراکنی در فضای مجازی، قابل مقایسه با دنیای سنتی نیست. "پیدایش رسانه، نه تنها نتوانسته مانع پخش شایعه شود، بلکه آن را به گونه‌ای تخصصی ساخته است."<sup>۲۱</sup> آنچه امروز تحت عنوان جرایم رایانه‌ای، نام برده می‌شود مجموعه‌ای از همین تخلفات و بزهکاری‌هاست که از طریق رایانه یا موثر بر رایانه، اتفاق می‌افتد.<sup>۲۲</sup> «جرم رایانه‌ای، توصیف فعالیت‌های تبهکارانه‌ای است که در آنها رایانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی، بخش الزامی برای جرم و جنایت است».<sup>۲۳</sup>

## ۲) ارکان بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای

بزه مذکور نیز همچون سایر جرایم، دارای عناصر سه‌گانه {قانونی، مادی و معنوی} است که به اختصار، به آنها پرداخته می‌شود.

<sup>۱۵</sup>. یاد، حقوق کیفری اختصاصی، ۳۱۸.

<sup>۱۶</sup>. میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی، ۶۸.

<sup>۱۷</sup>. مودن زادگان و نوروزی، «علل و عوامل ارتکاب جرم منازعه و راه‌های پیشگیری از آن»، ۱۸۸.

<sup>۱۸</sup>. شیرزاد، جرایم رایانه‌ای از دیدگاه حقوق جزای ایران و حقوق بین‌الملل، ۴۵.

<sup>۱۹</sup>. فضل‌ی، مسوولیت کیفری در فضای سایبر، ۶۶.

<sup>۲۰</sup>. سیاح طاهری و همکاران، حقیقت مجازی، ۳۰.

<sup>۲۱</sup>. کاپفر، شایعه، ۱۳.

<sup>۲۲</sup>. شاهبندرزاده و یوسفی، «تعیین درجه اهمیت جرایم رایانه‌ای»، ۱۳۸.

<sup>۲۳</sup>. رجب‌پور، «تقابل امنیت فناوری اطلاعات با جرایم سایبری»، ۱۹.

## ۱-۲) عنصر قانونی بزه

با توجه به "ویژگی های فضای مجازی: هزینه ی پایین ورود، گمنام بودن، نامتقارن بودن در آسیب پذیری"<sup>۲۴</sup> "جهانی و فرامرزی بودن، دسترسی دائم و آسان به اطلاعات، جذابیت، عدم وابستگی به زمان و مکان خاص"،<sup>۲۵</sup> اهمیت داشتن یک سیاست کیفری سنجیده در مقابل جرایم رایانه‌ای، بویژه در برابر بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای، بیش از پیش، روشن بود؛ با این وجود، در نظام کیفری ایران، تا سال ۱۳۸۸، بزه‌ای با عنوان نشر اکاذیب رایانه‌ای، وجود نداشت تا اینکه در ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ {ماده ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی} چنین مقرر شد: "هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی، اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران، قرار دهد یا با همان مقاصد، اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی، نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به نحوی از انحاء، ضرر مادی یا معنوی به دیگری، وارد شود یا نشود، ... محکوم خواهد شد."

بنابراین، بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ در حقوق کیفری ایران، موجودیت خود را اعلام کرد و قبل از آن، بزه نشر اکاذیب سنتی، تنها عنوان مجرمانه در این زمینه بود که از سال ۱۳۱۳ با تصویب قانون الحاق ماده ۲۶۹ مکرر به قانون مجازات عمومی، طی بند ب ماده ۲۶۹ مکرر الحاقی به قانون مجازات عمومی، موجودیت خود را اعلام داشته بود و تا سال ۱۳۶۲ به حیات خود، ادامه داد که در این سال، ماده ۱۴۱ از مبحث تعزیرات، به عنوان دومین قانون در خصوص بزه نشر اکاذیب، به منصفه ظهور رسید و تا سال ۱۳۷۵ اجرایی گردید تا اینکه در این سال، نوبت به نص فعلی ماده ۶۹۸ رسید که در حال حاضر نیز، لازم‌الاجرا می‌باشد و مقرر داشته: هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا، اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد، اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی، تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء، ضرر مادی یا معنوی به غیر، وارد شود یا نه، ... محکوم شود.

## ۲-۲) عنصر مادی بزه

همانگونه که ملاحظه می‌شود - علاوه بر مجازات - اختلافات ماهوی این ماده {ماده ۷۴۶ قانون جرایم رایانه‌ای} نسبت به ماده ۶۹۸ به تغییر وسیله و روش ارتکاب از «نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی» به «سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی» تغییر رفتار مجرمانه از «اظهار کردن» به منتشر نمودن یا «در دسترس دیگران

<sup>۲۴</sup> درگاهی و رضوی، «اعتیاد به اینترنت و عوامل موثر بر آن»، ۲۶۵.

<sup>۲۵</sup> عاملی، «دو جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب»، ۱۷۴-۱۴۳.

قرار دادن» مربوط می‌شود.<sup>۲۶</sup> در نظریه مشورتی با شماره‌ی ۷/۹۷/۶۵۰ مورخه‌ی ۹۷/۳/۲۹ و نیز نظریه‌های دیگر که به آنها خواهیم پرداخت؛ تفاوت دو ماده، تنها در وسیله‌ی ارتکاب جرم، اعلام شده است. با نگاهی به ظاهر و کلمات و عبارات استعمال شده در دو ماده، «ماده ۷۴۶ به‌جای «اظهار کردن» از تعبیر «منتشر نمودن» یا «در دسترس دیگران قرار دادن» استفاده کرده که در عمل، چندان تفاوتی ندارند؛ بنابراین تفاوت مهم دو ماده فوق در «وسیله ارتکاب» خلاصه می‌شود؛ ماده ۶۹۸ از «عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا نامه یا شکوائیه یا مراسلات» و ماده ۷۴۶ از «سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی» سخن گفته است.<sup>۲۷</sup> لزوم تحقق بزه رایانه‌ای در بستر سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، شاخص‌های برجسته‌ای در جداسازی بزه‌های رایانه‌ای از بزه‌های سنتی است.<sup>۲۸</sup>

عنصر مادی جرم، عبارت است از فعل یا عمل خارجی که تجلی نیت مجرمانه و یا قصد جزایی است.<sup>۲۹</sup> ملاحظه می‌شود که در حقیقت، دو جرم در این ماده، بیان شده است یک جرم، اظهار اکاذیب است که یا به قصد اضرار به غیر صورت می‌گیرد یا به قصد تشویش اذهان عمومی است و جرم دیگر، نسبت دادن مطالب غیرواقعی به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی است که شباهت با افترا دارد اما مطلبی که نسبت داده می‌شود جرم نیست.<sup>۳۰</sup>

اگر بخواهیم در مورد عنصر مادی بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای، همانند سایر جرایم، اجزای عنصر مادی را بررسی کنیم به شکل ذیل می‌باشد:

۱/ ۲/ ۲) رفتار مجرمانه: به صورت فعل فیزیکی مثبت، در قالب انتشار دادن یا در دسترس دیگران قرار دادن اکاذیب یا انتساب خلاف حقیقت اعمال به دیگری، قابل ارتکاب می‌باشد؛ بنابراین، با ترک فعل، قابلیت تحقق ندارد.

#### ۲/ ۲/ ۲) شرایط قانونی (پیرامونی):

از نظر شرایط تحقق جرم، اولاً: ارتکاب جرم، الزاماً باید به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی باشد ثانیاً: مطالب در راستای این جرم، باید حقیقت نداشته و کذب باشند. ثالثاً: برخلاف کلمه اکاذیب، نیازی به جمع بودن مطلب کذب نیست و یک کذب هم کفایت می‌کند رابعاً: انتشار دادن یا در دسترس دیگران قرار دادن، دلالت بر آشکار کردن دارد یعنی مطالب را برای آگاهی دیگران، با انتشار دادن یا در دسترس دیگران قرار دادن، مهیا نماید هرچند با وجود انتشار دادن یا در دسترس دیگران قرار دادن، کسی از آن، مطلع نشده باشد. خامساً: با توجه به عبارت «با امضا یا بدون امضا» حتی اگر شرایط سند مطابق قانون مدنی، وجود نداشته باشد جرم، محقق می‌گردد.

<sup>۲۶</sup>. ملک‌افضلی و کرمی، «بازاندیشی در ماهیت و شرایط تحقق بزه نشر اکاذیب»، ۵۴.

<sup>۲۷</sup>. ملک‌افضلی اردکانی و کرمی، «بازاندیشی در ماهیت و شرایط تحقق بزه نشر اکاذیب»، ۶۵.

<sup>۲۸</sup>. عالی پورو خراسانی، «همپوشی در رفتار بزه»، ۱۳۳.

<sup>۲۹</sup>. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ۸۴/۱.

<sup>۳۰</sup>. زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ۳۷۷/۱.

۳/۲/۲) نتیجه مجرمانه: گرچه قانونگذار، سوءنیت خاص را شرط تحقق بزه، قرار داده است ولی با توجه به عبارت "...ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود" در متن ماده، نتیجه مجرمانه برای این بزه، لحاظ نکرده است و لازم نیست با ارتکاب بزه توسط مجرم، نتیجه خاصی در عالم خارج، بروز نماید. بنابراین، جرمی مطلق است " و تحقق ضرر مادی یا معنوی، شرط تحقق این جرم نمی باشد."<sup>۳۱</sup>

### ۳/۲) عنصر روانی بزه

با توجه به استفاده مقنن از کلمه‌ی "قصد" در متن ماده، این بزه، فقط به صورت عمدی، قابل ارتکاب می باشد که مطابق این رکن، رکن مادی، باید از اراده‌ی آزاد و آگاهانه‌ی مرتکب، ناشی شده باشد یعنی مرتکب بداند مطالبی که از طریق سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی، انتشار می دهد یا در دسترس دیگران قرار می دهد یا اعمالی که به دیگری، منتسب می کند کذب و خلاف حقیقت می باشد. از آنجا که این جرم، یک جرم عمدی است، عنصر معنوی آن، به ترتیب ذیل می باشد:

الف- سوء نیت عام: عمد در انتشار دادن یا در دسترس دیگران قرار دادن اکاذیب یا انتساب خلاف حقیقت اعمال به دیگری.

ب- سوء نیت خاص: جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص از نظر حقوقی و هنجاری، موقعیتی دوگانه دارند. از سویی با جرم انگاری آنها از ارزش حیثیت و آبرو و شهرت اشخاص، حمایت می شود و از سوی دیگر، این جرم انگاری با ارزش‌های بنیادین دیگری مانند حق آزادی بیان، در تراحم، قرار می گیرد<sup>۳۲</sup> از این رو، قانونگذار، به سوءنیت عام، بسنده نکرده و برای تحقق این بزه، علاوه بر سوءنیت عام، سوء نیت خاص □ " قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی " را نیز، شرط تحقق بزه، دانسته است.

### ۳) روش‌های تعیین جرایم قابل گذشت

مروری بر روش‌هایی که توسط قانون‌گذاران در مورد قابل گذشت شمردن برخی از جرایم، به کار برده و می‌برند و اینکه قانون‌گذار در کشور ما به کدام روش، روی آورده است در جهت اتخاذ تصمیم راجع به قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن بزه، لازم و ضروری می باشد لذا به طور مختصر، به آن پرداخته می شود.

### ۱/۳) ضابطه قانونی

بر حسب این روش، مقنن، ضوابطی مشخص می کند تا دادرسان و سایر مسئولان قضایی بتوانند به کمک آن شیوه، جرایم قابل گذشت را از غیر آن، تشخیص دهند. ضوابطی همچون تشخیص جرایم با ملاک حق الناس و حق الله، قابل گذشت بودن

<sup>۳۱</sup>. زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی، ۸۱/۲.

<sup>۳۲</sup>. غلاملو و دریایی، «توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری»، ۲۰۴.

جرایم ارتكابي بين خويشان و جرم هاي مربوط به روابط زناشويي، قابل گذشت بودن جرایم مربوط به عفت فردي و... که در برخي از کشورها و نظام هاي حقوقي، مطرح شده، از اين طرز تفکر، ناشي مي شود.<sup>۳۳</sup>

## ۲/۳) احصای قانونی

در اين شيوه، قانون گذار، معيار برای تشخيص جرایم قابل گذشت از غير قابل گذشت و بالتبع، به زحمت انداختن مجريان قانون برای تطبيق مصاديق بر معيار، تعيين نمی کند بلکه "قانون گذار براي تشخيص اين نوع از جرایم، یک قاعده ي کلي، ارائه مي دهد و بنا را بر اين مي گذارد که هيچ جرمي، قابل گذشت نيست مگر آنکه خلاف آن در قانون، تصريح شده باشد".<sup>۳۴</sup> مزيت روش مذکور، اين است که ديگر کسی در شناسايی و تشخيص جرایم قابل گذشت، ترديدی نمی کند و ابهامی هم در اين باره، به وجود نمی آيد تا موجب اختلاف برداشت و تفسير مقامات قضايی شود.<sup>۳۵</sup>

پيش از انقلاب اسلامي، در دوره ي قبل از قانون مجازات عمومي، با توجه به مواد ۵ و ۶ و ۲ و ۵ و ۶ قانون آيين دادرسی کيفري، مصوب ۱۲۹۰، همه ي جرایم، واجد هم حيثيت عمومي و هم خصوصي بودند اما حيثيت عمومي پاره اي از آنها، آنچنان شديد نبوده که باعث اخلال شديد در نظم عمومي جامعه شود لذا در اين دسته از جرایم، قانون گذار، بر اين نظر بوده که شروع و تعقيب متهم، با درخواست شاکی خصوصي، شروع گردد. بنا بر اين، ضابطه ي توجه به حيثيت عمومي و خصوصي جرایم، تا تصويب قانون مجازات عمومي، حاکم بود که به جهت چالش هايی که حقوق دانان، بويژه جامعه ي قضايی در اعمال ضابطه و متعاقباً تشخيص جرایم قابل گذشت از غير قابل گذشت، با آنها مواجه شدند مقنن در جهت حل مشکل، برآمد و در قانون مجازات عمومي مصوب ۱۳۰۴ به موجب ماده ۲۷۷، به روش احصاء قانونی، روی آورده و اقدام به احصاء یک به یک جرایم قابل گذشت نمود. اين شيوه، حکمفرما بود تا اينکه بعد از انقلاب اسلامي، با تصويب ماده ۱۵۹ تعزيرات مصوب ۱۳۶۲، مفاهيم حق الله و حق الناس، در حقوق کيفري، به طور رسمي، وارد گرديد<sup>۳۷</sup> و به اين ترتيب، مجدداً به روش معيار قانونی برای تشخيص جرایم قابل گذشت از غير قابل گذشت، رجعت گرديد و روش احصاء قانونی، کنار گذاشته شد؛ ولی چون "قانون گذار هيچگونه ضابطه و معياري جهت شناخت و تشخيص حق الناس از حق الله به دادرسان، ارائه نداده بود اما همچنان مراجع قضايی را مکلف به رعايت مقررات خاص در جرایم حق الناسی می کرد<sup>۳۸</sup> و قضات در رسيدگی های خود، ناگزير از

<sup>۳۳</sup>. آخوندي، شناساي آيين دادرسی کيفري، ۲۷۹/۱.

<sup>۳۴</sup>. ساواني، آيين دادرسی کيفري، ۱۵۸/۱.

<sup>۳۵</sup>. آخوندي، آيين دادرسی کيفري، ۱۶۳/۱.

<sup>۳۶</sup>. در حقوق الناس، تعقيب و مجازات مجرم، متوقف بر مطالبه صاحب حق يا قائم مقام قانونی اوست.

<sup>۳۷</sup>. قبل از اين ماده، ماده ۲۹۰ قانون اصلاح موادی از قانون آيين دادرسی کيفري مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۶، مقرر داشته بود: «در جرایم و اموری که جنبه حق اللهی دارند محاکمه مرتکب، حتماً بايستی با حضور متهم، صورت گیرد.»

<sup>۳۸</sup>. آشوری، آيين دادرسی کيفري، ۲۵۸/۱.

تفاسیر قوانین مبهم، برای رفع ابهام هستند<sup>۳۹</sup> لذا اختلافات بسیاری میان مراجع قضایی راجع به بسیاری از جرایم تعزیری مانند کلاهبرداری و... در مورد اینکه آیا جرم، حق الناسی و قابل گذشت می‌باشد یا خیر، ایجاد شد که در مورد برخی از آنها، منجر به صدور رای وحدت رویه گردید که قانون‌گذار در جهت رفع این ایراد، طی ماده ۷۲۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵، از روش احصاء جرایم قابل گذشت، استفاده کرد.

سرانجام در ماده ۱۰۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ با وضع قاعده کلی اصل غیرقابل گذشت بودن جرایم، چنین مقرر داشت: "چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون، تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد" سپس در ماده بعدی {ماده ۱۰۴}، به صورت یک به یک، با ذکر شماره مواد قانونی، جرایم مربوطه را قابل گذشت اعلام نمود که در سال ۹۹ با تغییراتی که طی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به عمل آمد ماده ۱۰۳ بدون تغییر ماند و تنها تعداد جرایم قابل گذشت که طی ماده ۱۰۴، احصاء شده بودند فزونی یافت.<sup>۴۰</sup>

در فقه امامیه، باتوجه به صاحب حق، از جرایم غیرقابل گذشت و جرایم قابل گذشت، با عناوین حق الله و حق الناس، نام برده شده که در مبحث بعدی، به آنها پرداخته خواهد شد.

#### ۴) تقسیم حق بر اساس صاحب حق در فقه امامیه

فقه‌های امامیه در مورد اقسام حقوق بر اساس صاحب حق، با توجه به کثرت آنها، به دو دسته حق الله و حق الناس، قائل شده‌اند<sup>۴۱</sup> و برخی از آنها، صرف نظر از کثرت و قلت، به سه دسته، حق الله، حق الناس، و حق الله و حق الناس با هم، مثل سرقت،<sup>۴۲</sup> قائل شده‌اند و براساس همین تقسیم، به عنوان ضابطه، معیار تشخیص قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن جرایم را، به ترتیب، غلبه‌ی جنبه حق الناسی یا حق اللهی آنها می‌دانند.

در جهت تفکیک بین حق الله و حق الناس، برخی از فقها، در مقام تعریف برآمده‌اند و برخی نیز در مقام ارائه‌ی معیار یا ذکر تفاوت میان آنها یا ذکر ویژگی‌ها برآمده‌اند که به تعدادی از آنها، اشاره می‌شود: مراد از حق الناس، آنچه است که شرع، به طور اختصاصی، برای آنها، اعتبار کرده است؛ خواه به حد مالکیت برسد یا نرسد. حق لله متعال، به معنای عمل یا ترک عملی

<sup>۳۹</sup> اصل ۷۳ قانون اساسی، با تجویز تفسیر قوانین توسط قضات در مقام تمیز حق، چنین مقرر داشته است: ... مفاد این اصل، مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست.

<sup>۴۰</sup> مجدداً، تعدادی از جرایم که به عنوان جرایم قابل گذشت، اضافه گردیده بودند با قانون اصلاح ماده (۱۰۴) مصوب ۱۴۰۳/۲/۲۵ از دایره جرایم قابل گذشت، خارج گردیدند.

<sup>۴۱</sup> خمینی، تحریر الوسیله، ۴۴۶/۲؛ قمی، مبانی تحریر الوسیله، ۶۱۹/۱؛ نجفی، جواهرالکلام، ۱۵۴/۴۱؛ حلی، شرائع الإسلام، ۱۲۵/۴؛ عاملی، مسالک الإفهام، ۲۶۵/۱۴.

<sup>۴۲</sup> طوسی، المبسوط، ۱۶۳/۸؛ مرعشی نجفی، القصاص علی ضوء القرآن و السنه، ۳۸۵/۲؛ حلی، السرائر، ۴۹۵/۳.

<sup>۴۳</sup> برخی از فقهای اهل سنت نیز حقوق را بر سه دسته، تقسیم کرده‌اند. در تعریفی که به عمل آورده‌اند ضمن نام بردن از حق الله تعالی، عبارت (أو الحق العام) را به عنوان مترادف آن، به کار برده‌اند و از حق الناس با عناوین: حق الإنسان (أو العبد) تعبیر و چنین تعریف می‌کند: این حق به معنای حفاظت از منافع شخصی است، چه حق عمومی باشد ... و چه حق خصوصی باشد... (زحیلی، الفقه الإسلامي وأدلته، ۲۸۴۵-۲۸۴۴)

است که مطلوب ذات باری تعالی است، نه به خاطر رعایت حق مردم مانند وجوب ادای امانت، بلکه با توجه به مصالح یا مفاسدی که ملاک‌های احکام شرعی مولوی هستند، مانند اجرای حد و ترک شرب خمر.<sup>۴۴</sup> حقوق الله محض، مانند حد زنا و شرب خمر، امام آن را بدون مطالبه از سوی انسان، اقامه می‌کند. اما حق الناس محض که مختص به خود انسانهاست، امام تنها پس از مطالبه آن‌ها برای استیفای حقوقشان از او، می‌تواند اقدام کند. اما حقی که متعلق به خداست و به حق انسان نیز مربوط می‌شود، نیز امام نمی‌تواند نه مطالبه و نه اجرا کند مگر پس از مطالبه از سوی انسان، که آن حدی است که مربوط به سارق است. بنابراین، تا زمانی که مالباخته، شکایت به حاکم نبرد و مطالبه مالش را نکند، حاکم نمی‌تواند حد قطع را بر سارق، اجرا کند.<sup>۴۵</sup> منظور از حق الله تعالی می‌تواند به یکی از دو صورت باشد: یا اوامری که دلالت بر اطاعت از او دارند، یا خود طاعت، بر این اساس که اگر امر نبود، عبادت نمی‌توانست به عنوان حق خداوند تعالی، صدق کند، یا بر این اساس که امر، تنها به این دلیل به عبادت، تعلق گرفته که خود عبادت در ذاتش، حق خداوند تعالی است.<sup>۴۶</sup>

در حقوق الناس، تأکیدات و تشدیداتی وجود دارد که در حقوق الله، وجود ندارد، حتی اگر مانند نماز، واجب باشند، بلکه میزان عدل خداوند، تنها در حقوق مردم است و گرنه در حقوق خداوند، او کریم‌تر و رحیم‌تر از آن است که کسی را با آتش جهنم عذاب کند.<sup>۴۷</sup> حقوق بندگان که به ادای آن‌ها مأمور شده‌اند، شامل حق خداوند متعال است به خاطر دستوری که به آن‌ها داده شده، مانند - معامله، امانت، حد، قصاص، دیه و غیره. بر این اساس، حق خداوند بدون حق بندگان، وجود دارد، مانند دستور به نماز، و حق بندگان بدون حق خداوند متعال، وجود ندارد. قاعده در این مورد، این است که هر چیزی که برای بندگان، امکان اسقاط آن، وجود دارد، حق بندگان است و آنچه که این امکان، وجود ندارد، حق خداوند است.<sup>۴۸</sup>

در حدود متعلق به حقوق الهی، بخشش و گذشت، راه ندارد ولی در حدودی که متعلق به حق الناس می‌باشد با عفو صاحب حق، ساقط می‌شود.<sup>۴۹</sup> دین، مقدم می‌شود برای اینکه حق العباد، مبنی بر مضایقه و سختگیری است ولی حق خداوند بلندمرتبه، مبنی بر مسامحه می‌باشد.<sup>۵۰</sup> و حقوق خداوند، احتیاط‌پذیر نیستند، زیرا بر اساس اسقاط و تخفیف، بنا شده‌اند، اما حقوق انسان‌ها، برعکس این است.<sup>۵۱</sup> در صورت تراحم بین حق الله و حق الناس، حق الناس، مقدم است.<sup>۵۲</sup> اگر مرتد فطری یا ملی، مسلمانی را عمداً بکشد، ولی دم مقتول، حق دارد او را به قصاص بکشد و قتل بابت ارتداد، ساقط می‌شود بدون اینکه اختلافی در این مسأله، بیابم. در ارجحیت حق الناس بر حقوق خداوند متعال، اشکالی، وجود ندارد و موضوع، روشن است،

<sup>۴۴</sup>. قمی، مبانی تحریر الوسيله، ۱/۶۱۹.

<sup>۴۵</sup>. حلی، السرائر، ۳/۴۹۵.

<sup>۴۶</sup>. حلی، نضد القواعد، ۳۰۱.

<sup>۴۷</sup>. بهبهانی، حاشیه مجمع الفائده و البرهان، ۳۳۵.

<sup>۴۸</sup>. حلی، نضد القواعد، ۳۰۲.

<sup>۴۹</sup>. نجفی، جواهرالکلام، ۴۱/۲۹۴.

<sup>۵۰</sup>. حلی، نضد القواعد، ۳۰۱.

<sup>۵۱</sup>. طوسی، المبسوط، ۸/۱۶۳.

<sup>۵۲</sup>. روحانی، فقه الصادق، ۹/۲۳۱.

بله اگر ولی دم، گذشت کند یا در ازای مال با قاتل، مصالحه کند بابت ارتداد، کشته می‌شود.<sup>۵۳</sup> مقتضای فتاویٰ أصحاب، غلبه‌ی حق آدمی بر حق الله می‌باشد.<sup>۵۴</sup> حدی که از حقوق الناس است جز با گذشت صاحب حق و اسقاط توسط او، ساقط نمی‌شود.<sup>۵۵</sup>

برخی از فقهای امامیه، حق الله را مطابق با حقوق عمومی و حق الناس را معادل حقوق خصوصی دانسته‌اند.<sup>۵۶</sup> به تعبیر ایشان، مراد از حق الناس، حق مرتبط با شخص یا اشخاص خاصی است و حق الله در مقابل آن، قرار دارد؛ پس باید منظور از آن، حق عامه‌ی جامعه باشد؛ به خصوص اینکه حق الله، ممکن نیست بر معنای حقیقی خود، حمل شود؛ چرا که پروردگار متعال، نامحدود و توانگر است و از هیچ جهت نفعی برای او، قابل تصور نیست.<sup>۵۷</sup> که برخی، با انتقاد از نظر مذکور، نسبت حقوق الله با حقوق عامه را، عموم و خصوص من وجه دانسته‌اند.<sup>۵۸</sup>

با توجه به اینکه موضوع مقاله، در مورد تفکیک حق الناس (جرائم قابل گذشت) از غیر آن (خواه مشمول عنوان حقوق عامه، قرار بگیرد یا حق الله)، می‌باشد از ورود بیشتر به موضوع، خودداری می‌شود.

#### ۵) نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه در مورد موضوع

با توجه به دغدغه‌ی جامعه‌ی قضایی در مورد مساله، استعلام‌های متعددی از اداره کل حقوقی قوه قضاییه، به عمل آمده است که پاسخ‌ها بعد از تصویب ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات ۱۳۶۲، با پاسخ‌های بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، و پاسخ‌های بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، براساس اینکه قبل از سال ۹۸ یا بعد آن باشند متفاوت می‌باشند. لذا با لحاظ دوره‌های مذکور، به تعدادی از آنها، اشاره می‌شود:

#### ۱/۵) پاسخ‌ها به استعلام‌ها بعد از تصویب ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات و قبل از ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵

در این دوره، با توجه به اینکه قانون جرائم رایانه ای، مصوب سال ۱۳۸۸ می‌باشد استعلام در زمینه نشر اکاذیب سنتی می‌باشد که چون در پاسخ اداره حقوقی، به معیار حق الناس، توجه شده است و در جهت قابل گذشت بودن یا نبودن، به ترتیب، بین اینکه باعث ضرر به اشخاص باشد یا خیر، تفکیک، قائل شده است طرح آن، خالی از فایده نخواهد بود.

<sup>۵۳</sup> . نجفی، جواهرالکلام، ۶۳۴/۴۱.

<sup>۵۴</sup> . نجفی، جواهرالکلام، ۵۵۱/۴۱.

<sup>۵۵</sup> . طباطبایی، ریاض المسائل، ۴۶۰/۱۵.

<sup>۵۶</sup> . برخی از حقوق دانان نیز، حق الله را مطابق با حقوق عمومی و حق الناس را معادل با حقوق خصوصی، ذکر کرده‌اند. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۱۶۳/۱؛ آشوری، عدالت کیفری: مجموعه مقالات، ۲۱۳)

<sup>۵۷</sup> . فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ۴۷.

<sup>۵۸</sup> . مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ۲۳۶-۲۳۵؛ ساجدی، حق الله و حق الناس در جرائم و مجازات‌ها، ۲۶.

نظریه شماره ۷۷/۶۸۹۹ مورخ ۶۴/۱۱/۱۵: " مراد از حق الناس مذکور در ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات، جرایمی است که به شخص یا اشخاص معینی، ضرر، وارد می‌نماید و در این قبیل جرایم، تعقیب و مجازات مجرم، متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی او می‌باشد. در مورد بزه نشر اکاذیب، چنانچه این جرم، متوجه شخص یا اشخاص معینی باشد حق الناس و قابل گذشت است و در غیر این صورت، قابل گذشت نمی‌باشد."<sup>۵۹</sup>

## ۵/۲) پاسخ‌ها به استعلام‌ها بعد از تصویب ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۸

در این پاسخ‌ها، جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای، همانند نشر اکاذیب سنتی و قابل گذشت، اعلام شده است که به تعدادی از آن‌ها، اشاره می‌گردد:

اداره حقوقی، طی نظریه مشورتی با شماره ۷/ ۹۵ / ۱۴۰۴ مورخه ۹۵/۶/۱۳ چنین بیان کرده است: " با توجه به صراحت ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که جرم نشر اکاذیب را قابل گذشت دانسته است و اینکه رایانه، خصوصیتی در تحقق این جرم ندارد... به نظر جرم موضوع ماده ۱۸ قانون مذکور نیز قابل گذشت است." همچنین در نظریه‌های مشورتی با شماره‌های ۷/ ۹۶ / ۱۷۰۴ مورخه ۹۶/۷/۲۳، با شماره ۷/ ۹۶ / ۱۷۹۷ مورخه ۱۳۹۶/۸/۶، با شماره ۷/۹۷/۶۵۰ مورخه ۹۷/۳/۲۹ و با شماره ۵۸۹/۹۸/۷ مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۴ نیز عیناً همان پاسخ فوق را داده است.

## ۵/۳) پاسخ‌ها به استعلام‌ها بعد از تصویب ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ بعد از سال ۱۳۹۸

در این پاسخ‌ها، جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای، غیر قابل گذشت، اعلام شده، که به تعدادی از آنها، اشاره می‌گردد:

طی نظریه مشورتی با شماره ۷/۹۹/۱۴۵ مورخه ۱۳۹۹/۳/۱۹ چنین بیان شده است: اولاً، اصل، غیر قابل گذشت بودن جرایم است (ماده ۱۰۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) و قابل گذشت بودن جرم مطابق ماده ۱۰۴ این قانون و تبصره ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ محتاج نص است. ثانیاً، ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مؤخر بر قانون جرایم رایانه‌ای تصویب شده و به قابل گذشت بودن جرایم موضوع ماده ۷۴۶ ق.م.ا. اشاره‌ای نکرده است. بنابراین جرایم موضوع این ماده، از جمله جرایم غیر قابل گذشت است، ضمناً ماده ۱۰۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ که در تاریخ ۷/۳/۱۳۹۹ تحت عنوان ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاح و به تأیید شورای نگهبان رسیده و در شرف انتشار و لازم الاجرا شدن است؛ مؤید این نظر است."

و در پاسخ به سوالی دیگر، طی نظریه مشورتی با شماره ۷/۱۴۰۲/۴۹۵ مورخه ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ نیز، بزه مذکور، غیر قابل گذشت، اعلام شده است.

## ۶) تجزیه و تحلیل مباحث مطروحه

<sup>۵۹</sup>. شهری و ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، ۲۵۵/۱.

۱- در مورد نظریه‌های مشورتی فوق‌الذکر، فارغ از دوره اول که تشخیص جرایم قابل‌گذشت از غیرقابل‌گذشت، باید بر اساس ضابطه‌ی ارائه شده توسط قانونگذار، به عمل می‌آید و نظریه‌ی اداره حقوقی، با توجه به معیار قانونی، دقیق، ارائه شده بود در مورد ۲ دوره بعد، ملاحظه کردیم که در دوره‌ی دوم، ماده ۷۲۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵، از روش احصاء جرایم قابل‌گذشت، استفاده کرد و ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نیز، در ماده ۱۰۴، از همین روش، استفاده کرد و در اصلاح ۱۳۹۹ نیز تفاوتی در روش تشخیص جرایم قابل‌گذشت، ایجاد نشد و صرفاً، جرایم قابل‌گذشت جدیدی، افزوده شد. بنابراین، در مورد اینکه چه موضوعی باعث تغییر در پاسخ اداره حقوقی از سال ۹۹ شده، تنها چیزی که به ذهن می‌رسد این نکته است که چون ماده ۱۰۴ ق.م.ا. مصوب ۹۲، در سال ۱۳۹۹ اصلاح و جرایمی را به دسته جرایم قابل‌گذشت، اضافه نمود ولی با وجود در مقام بیان بودن، ذکری از ماده ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان جرایم قابل‌گذشت، به میان نیاورد بنابراین، نظر بر غیرقابل‌گذشت بودن این جرم داشته است<sup>۶۰</sup> حال آنکه این استدلال، قابل پذیرش نیست زیرا قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ تصویب شده و ماده ۱۰۴ ق.م.ا. در سال ۱۳۹۲، جرایم قابل‌گذشت را احصاء کرد بنابراین اگر اداره حقوقی، نظر بر استدلال مذکور داشت باید بعد از تصویب ماده ۱۰۴ مذکور در سال ۱۳۹۲، نظر بر غیرقابل‌گذشت بودن جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای می‌داد نه از سال ۱۳۹۹.

۲- قانونگذار در ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، از دو ضابطه‌ی ارائه‌ی معیار قانونی (ماده ۱۰۳) و احصای قانونی (ماده ۱۰۴) در جهت تشخیص جرایم قابل‌گذشت از جرایم غیرقابل‌گذشت، بهره برده است که نتیجه‌ی آن، چنین می‌شود که با وجود آنکه در ماده ۱۰۳، به اصل غیرقابل‌گذشت جرایم، تصریح شده است این اصل با دو استثناء، یکی به موجب ماده ۱۰۳ و دیگری به موجب ماده ۱۰۴، روبرو شده است به این نحو که از یک سو، تعدادی از جرایم، صراحتاً در ماده ۱۰۴ به عنوان جرایم قابل‌گذشت، احصاء و از شمول قاعده، خارج شده‌اند و از سوی دیگر، اگر جرم "حق الناس بوده و شرعاً قابل‌گذشت باشد" نیز به تصریح ماده ۱۰۳، از شمول قاعده، خارج، و در زمره‌ی جرایم قابل‌گذشت خواهد بود؛ بنابراین، برای تشخیص قابل‌گذشت بودن یا نبودن، صرفاً نباید به ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا.، نگاه کرد.<sup>۶۱</sup>

<sup>۶۰</sup> قسمتی از استدلال نظریه مشورتی شماره ۱۴۵/۹۹/۷ مورخه ۱۹/۰۳/۱۳۹۹: "... ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مؤخر بر قانون جرایم رایانه‌ای تصویب شده و به قابل‌گذشت بودن جرایم موضوع ماده ۷۴۶ ق.م.ا. اشاره ای نکرده است. بنابراین جرایم موضوع این ماده از جمله جرایم غیرقابل‌گذشت است، ضمناً ماده ۱۰۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ که در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۷ تحت عنوان ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، اصلاح و به تأیید شورای نگهبان رسیده و در شرف انتشار و لازم الاجرا شدن است؛ مؤید این نظر است."

<sup>۶۱</sup> برخی حقوق‌دانان نیز صرفاً با توجه به ماده ۱۰۴، نظر داده‌اند: "به این ترتیب، اکنون نشر اکاذیب به وسیله نامه یا ... قابل‌گذشت است، اما نشر اکاذیب به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی، غیرقابل‌گذشت است که البته این دوگانگی در اتخاذ سیاست جنایی از سوی مقنن، محل ایراد است." (جوانمرد، «نشر اکاذیب در فضای مجازی»، ۳) خیلی عجیب است که جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای ... در اصلاحیه ۱۳۹۹، در زمره جرایم قابل‌گذشت، اعلام نشده است؛ ولی ... (غلاملو و دریایی، «توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری»، ۲۱۰) که در توضیحات بعدی، شرح می‌دهیم که سیاست قابل‌گذشت یا غیرقابل‌گذشت بودن به صورت صفر یا صد، در مورد این بزه، مورد قبول نمی‌باشد.

۳- متاسفانه، اداره حقوقی، در پاسخ به استعلام‌های مذکور، (اعم از اینکه نظر به قابل‌گذشت بودن داده یا به عکس آن) هیچ استنادی به ماده ۱۰۳ نکرده و استدلال‌ها و استنادهایش را صرفاً به ماده ۱۰۴، متمرکز کرده است.

۴- برخی همکاران قضایی، معتقدند قسمت اخیر ماده ۱۰۳، ناظر به جرایم منصوص در شرع، نظیر قصاص و قذف می‌باشد و برای تشخیص جرایم قابل‌گذشت از غیرقابل‌گذشت در مورد سایر جرایم، صرفاً ماده ۱۰۴، ملاک عمل می‌باشد. که این نظر، دارای ایراداتی می‌باشد: الف) مقنن در ماده ۱۰۳ در مقام بیان بوده و "جرم" را به طور مطلق، به کار برده و محدود به جرم خاصی نکرده است ب) اگر منظور مقنن از قسمت اخیر ماده ۱۰۳، صرفاً جرم قذف یا جرایم مستوجب قصاص بود ذکر صریح آنها، زحمتی نداشت و حتی نیازی به ماده ۱۰۳ نبود و این دو مورد را نیز در ماده ۱۰۴، ذکر می‌کرد؛ بلکه چون منظور، کلیه جرایمی بوده که با توجه به غلبه‌ی جنبه‌ی حق‌الناسی، شرعاً قابل‌گذشت هستند امکان احصاء، فراهم نبوده و مقنن، نیاز به ارائه‌ی ضابطه در این خصوص را، احساس کرده است. پ) همان‌طور که برخی حقوق‌دانان، ذکر کرده‌اند "قانونگذار از دو معیار شرعی و قانونی برای قابل‌گذشت دانستن برخی از جرائم در مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ ق.م.ا. استفاده می‌کند.<sup>۶۲</sup> قانون‌گذار، معیار شرعی در ماده ۱۰۳ ارائه داده است و معیار برای تطبیق مصادیق متعدد، استفاده می‌شود و منطقی نخواهد بود که صرفاً برای دو مورد بزه، اقدام به ارائه‌ی معیار گردد.

۵- با توجه به اینکه در تفسیر، باید پی به اراده واقعی مقنن برد در مصوبه‌ی اولیه‌ی مجلس، کل متن ماده ۱۰۳<sup>۶۳</sup> چنین بود: "چنانچه قابل‌گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل‌گذشت محسوب می‌شود." بنابراین، قسمت اخیر ماده ۱۰۳ فعلی، وجود نداشت که شورای نگهبان، چنین نظر داد: "در ماده (۱۰۲)، اطلاق غیرقابل‌گذشت بودن به مجرد عدم تصریح در قانون، خلاف موازین شرع، شناخته شد.<sup>۶۴</sup> که به دنبال این ایراد، قسمت اخیر ماده ۱۰۳، به آن، اضافه شد که دلالت دارد که منظور شورای نگهبان از قسمت اخیر ماده ۱۰۳، کلیه جرایمی می‌باشد که با توجه به غلبه‌ی جنبه‌ی حق‌الناسی، شرعاً قابل‌گذشت هستند.

۶- با توجه به توضیحات بند ۲، در ماده ۱۰۳ به طور صریح، مجدداً معیار ارائه شده در ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، احیاء شده است. لذا اگر احصای کل ماده‌ی ۶۹۸ در ماده ۱۰۴، وجود نداشت می‌توانستیم در حال حاضر نیز، همچنان، حکم به صحت نظریه مشورتی مذکور در دوره اول فوق کنیم ولی چون، نص صریح، وجود دارد باید مطابق همان عمل شود ولی در مورد نشر اکاذیب رایانه‌ای، باید در مورد قابلیت‌گذشت داشتن یا نداشتن آن، با صرف‌نظر کردن از ماده ۱۰۴ و با توجه کامل به ماده ۱۰۳، قائل به تفکیک شد.

<sup>۶۲</sup> . احمدزاده و مشایخی، «تحلیل حقوقی گذشت مشروط و آثار آن»، ۲۴.

<sup>۶۳</sup> . آن زمان، به عنوان ماده‌ی ۱۰۲ قید شده است.

<sup>۶۴</sup> . توکل‌پور و دیگران، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، ۶۷.

۷- همچنان که دیدیم بزه نشر اکاذیب سنتی و رایانه‌ای، تنها در وسیله‌ی ارتکاب، با هم متفاوت هستند که نظریه‌های مشورتی متعدد اداره حقوقی نیز بر آن، تاکید کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که چون تفاوت در وسیله، موثر در مقام نیست نشر اکاذیب رایانه‌ای نیز قابل گذشت است؛ که آنچه عجیب است این است که چگونه اداره حقوقی، موارد مذکور را که به عنوان دلیل در جهت اعلام قابل گذشت بودن بزه نشر اکاذیب رایانه‌ای، بارها به آنها تاکید کرده بود به یک‌باره، نادیده گرفته و بزه را به طور کل، غیر قابل گذشت، اعلام کرده است!

ممکن است ایراد شود که درست است که تفاوت دو نوع بزه مذکور، در وسیله‌ی ارتکاب جرم می‌باشد اما ارتکاب بزه، به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، به خاطر شدت تاثیرگذاری و وسعت گستره‌ی ارتکاب بزه، باید غیر قابل گذشت باشد که این ایراد را نمی‌توان پذیرفت زیرا در مواردی ممکن است گستره ارتکاب در مورد بزه نشر اکاذیب سنتی، بسیار گسترده‌تر باشد. به عنوان مثال، فردی در یکی از گروه‌های خانوادگی متشکله در یکی از شبکه‌های اجتماعی، و فردی دیگر، در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری، مرتکب این بزه شوند.

۸- همانطور که دیدیم بزه نشر اکاذیب از نوع سنتی، در قانون مجازات عمومی، در بند ب ماده ۲۶۹ مکرر، ذکر شده و در زمره‌ی جرایم غیر قابل گذشت بود ولی در حال حاضر، به طور مطلق، در زمره‌ی جرایم قابل گذشت، قرار گرفته است که با توجه به ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته است: "تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود." در صورتی که بزه‌دیده، جامعه باشد امکان تعقیب، بدون شکایت، فراهم نخواهد شد که این موضع صفر یا صد، با عدالت، سازگاری ندارد و لازم است بین مواردی که شخص یا اشخاص معین، بزه‌دیده می‌باشند با مواردی که جامعه، هدف بزه، قرار گرفته است تفکیک قائل شد و قسمت اول، در زمره‌ی جرایم قابل گذشت، قرار گیرد و قسمت دوم، در زمره‌ی جرایم غیر قابل گذشت باشد که امکان تعقیب از سوی دادستان به نمایندگی از جامعه، فراهم گردد؛ همچنان که یکی از اقدامات شایسته قانون‌گذار در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، تفکیک قائل شدن در مورد قابل گذشت بودن یا نبودن تصرف عدوانی املاک و اراضی به ترتیب متعلق به اشخاص خاص یا اموال عمومی و دولتی می‌باشد.

در حال حاضر، چون در مورد نشر اکاذیب سنتی، نص، وجود دارد تا زمان اصلاح قانون، باید مطابق همان عمل شود ولی در مورد نشر اکاذیب رایانه‌ای، با توجه به اینکه ماده ۱۰۴، کاربردی ندارد و صرفاً ماده ۱۰۳ قابل اجرا می‌باشد با توجه به معیار ارائه شده، به راحتی امکان تفکیک، وجود دارد و باید با توجه به بزه‌دیده به شرح فوق، قائل به تفکیک شد.

#### نتیجه

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از هر دو ضابطه‌ی ارائه‌ی معیار قانونی (ماده ۱۰۳) و احصای قانونی (ماده ۱۰۴) در جهت تشخیص جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت، بهره برده است که معیار قانونی مطروحه در ماده ۱۰۳، همان معیار شرعی تقسیم جرایم، حسب غلبه‌ی جنبه حق الهی یا حق الناسی می‌باشد که چون در ماده ۱۰۴، ذکری از

ماده ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی، به عنوان جرایم قابل گذشت، به میان نیامده است باید با توجه به معیار ارائه شده در ماده ۱۰۳ که "اگر جرم، حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد" از شمول قاعده مطروحه در صدر ماده، خارج، و در زمره جرایم قابل گذشت خواهد بود - که در واقع، احیای مجدد معیار ارائه شده در ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، می باشد - در مورد این بزه، اظهار نظر کرد که با توجه به تعاریف و توضیحاتی که در مورد مفهوم و مصادیق جرایم حق الناسی و حق اللهی گذشت لازم است بین مواردی که شخص یا اشخاص معین، بزه دیده می باشند با مواردی که جامعه، هدف بزه، قرار گرفته است تفکیک، قائل شد و قسمت اول، در زمره جرایم قابل گذشت، قرار گیرد و قسمت دوم، در زمره جرایم غیر قابل قابل گذشت باشد که امکان تعقیب از سوی دادستان به نمایندگی از جامعه، فراهم گردد؛ در مورد بزه نشر اکاذیب سنتی نیز با توجه به صراحت ماده ۱۰۴، پیشنهاد می شود قانونگذار، با اصلاح قانون، تفکیک مذکور را به همان نحو که در سال ۱۳۹۹، با تفکیک قائل شدن در مورد قابل گذشت بودن یا نبودن تصرف عدوانی املاک و اراضی به ترتیب متعلق به اشخاص خاص یا اموال عمومی و دولتی، پذیرفته است پذیرا گردد.

#### فهرست منابع:

- احمدزاده، رسول و زهرا مشایخی. «تحلیل حقوقی گذشت مشروط و آثار آن»، مجله حقوقی دادگستری. سال هشتاد و سوم، شماره ۱۰۶، ۱۳۹۸، ۴۴ - ۲۱.
- آخوندی، محمود. شناسای آیین دادرسی کیفری: اندیشه ها. تهران: دور اندیشان، چاپ هفدهم، ۱۳۹۴.
- آخوندی، محمود. آیین دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۸.
- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان، جلد اول، ۱۳۹۱.

- آزاد، حجت الله. «روان شناسی دروغ‌گویی: انگیزش، همبسته‌های شناختی، بسترها و راه اصلاح»، نشریه مطالعات اخلاق کاربردی. دوره ۹، شماره ۳۴، ۱۳۹۸، ۸۲-۵۷.
- آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری. تهران: سمت، جلد اول، چاپ بیستم، ۱۳۹۷.
- آشوری، محمد. عدالت کیفری: مجموعه مقالات. تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- اصغری اندواری، ذبیح الله. جرایم قابل گذشت با تاکید بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱.
- ایازی، سیدعلی نقی. «بررسی ضعف صداقت (دروغ‌گویی) در آموزه‌های قرآن»، نشریه آموزه‌های قرآنی. دوره ۱۹، شماره ۳۵، ۱۴۰۱، ۵۹-۸۰.
- بهبهانی، محمدباقر. حاشیه مجمع‌الفائده و البرهان. قم: مؤسسه‌العلامة‌المجدد الوحید‌البهبهانی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- پاد، ابراهیم. حقوق کیفری اختصاصی. تهران: نشر رهام، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- توکل‌پور، محمدهادی، مصطفی مسعودیان و کاظم کوهی اصفهانی، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: بنیاد راستاد، ۱۳۶۳.
- جوانمرد، بهروز. «نشر اکاذیب در فضای مجازی؛ چالش‌ها و بایسته‌ها»، روزنامه فرهیختگان دانشگاه. شماره ۳۱۳۳، ۲۳ شهریور ۱۳۹۹.
- جونز، ویلیام تامس. خداوندان اندیشه سیاسی. ترجمه علی رامین، جلد دوم، قسمت اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- حلّی، مقداد. نضد القواعد الفقهية. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- حلّی، ابن‌ادریس. السرائر. قم: مؤسسه‌النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، جلد ۳، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- حلّی، محقق. شرائع الإسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، جلد ۴، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- خداقلی، زهرا. جرایم کامپیوتری. تهران: آریان، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- خمینی، روح‌الله. تحریر الوسيلة. قم: دارالکتب العلمیة، جلد ۲، ۱۳۹۰ق.
- درگاهی، حسین و سید منصور رضوی. اعتیاد به اینترنت و عوامل موثر بر آن در ساکنان منطقه‌ی دو غرب تهران، فصلنامه پیش. سال ششم، شماره سوم، ۱۳۸۶، ۲۷۲-۲۶۵.
- دورکیم، امیل. قواعد روش جامعه‌شناسی. ترجمه محمد علی کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- رجب‌پور کاشف، مهدی. «تقابل امنیت فناوری اطلاعات با جرایم سایبری»، ماهنامه تخصصی وب. شماره ۱۳۵، ۱۳۹۰، ۴۳-۵۱.

- روحانی، محمدصادق. فقه الصادق. قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام، جلد ۹، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
- روشنی، علی محمد. تحلیلی بر جرم نشر اکاذیب. تهران: انتشارات بهنامی، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- زراعت، عباس. شرح قانون مجازات اسلامی (تعزیرات). تهران: نشر فیض، جلد ۱، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- زراعت، عباس. شرح قانون مجازات اسلامی. تهران: نشر ققنوس، جلد ۲، ۱۳۹۴.
- ساجدی، محمد. حق الله و حق الناس در جرایم و مجازات‌ها. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- ساولانی، اسماعیل. آیین دادرسی کیفری. تهران: مشاهیر دادآفرین، جلد اول، ۱۳۹۳.
- سبزه‌ای، محمدتقی. «جامعه مدنی به مثابه قرارداد اجتماعی: تحلیل مقایسه‌ای اندیشه‌های هابز، لاک و روسو»، پژوهش حقوق و سیاست. سال نهم، شماره ۲۲، ۱۳۸۶، ۶۸.
- سیاح طاهری، محمدحسین و گروه مولفان. حقیقت مجازی. انتشارات مرکز ملی فضای مجازی، (بی تا). آدرس اینترنتی: <https://alefbalib.com/Metadata/746835>/آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۷/۷
- شاهبندرزاده، حمید و شهلا یوسفی ده بیدی. «تعیین درجه اهمیت جرایم رایانه‌ای از دیدگاه صاحب نظران انتظامی استان بوشهر»، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی. شماره ۱۷، ۱۳۹۱، ۱۵۶-۱۳۷.
- شکری، رضا و قادر، سیروس. قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات مهاجر، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴.
- شهری، غلامرضا و سروش ستوده جهرمی. نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری. تهران: انتشارات روزنامه رسمی کشور، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- شیرزاد، کامران. جرایم رایانه‌ای از دیدگاه حقوق جزای ایران و حقوق بین الملل. تهران: نشر بهینه فراگیر، ۱۳۸۸.
- صادقی، محسن. «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه‌های نوین آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۶۸، ۱۳۸۴، ۱۱۴-۸۹.
- طباطبایی، علی. ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت، جلد ۱۵، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- طوسی، محمد بن حسن. المبسوط. قم: المكتبة المرتضویة، جلد ۸، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- عالی پور، حسن و الهام خراسانی. «همپوشی در رفتار بزه»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی. دوره ۴، شماره ۸، ۱۳۹۵، ۱۴۸-۱۳۱.
- عاملی، سعیدرضا. «دو جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب»، فصلنامه علوم اجتماعی. سال ۱۱، شماره اول، ۱۳۹۰، ۱۷۴-۱۴۳.
- عاملی، زین الدین. مسالک الإفهام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، جلد ۱۴، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

- علي اکبری بابوکاني، احسان، محمدحسن حائری یزدی و محمدتقی فخلعی. «بازپژوهی امکان و روایی انتشار اکاذیب از دیدگاه فقه امامیه»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دین و ارتباطات. سال بیستم، شماره دوم، ۱۳۹۲، ۷۱-۴۵.
- غلاملو، جمشید و رضا دریایی. «توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری؛ از جرم انگاری تا جرم زدایی با تأکید بر الگوی حقوق مدنی»، آموزه‌های حقوق کیفری. شماره ۲۳، ۱۴۰۱، ۲۴۰-۲۰۳.
- فضلی، مهدی. مسوولیت کیفری در فضای سایبر. تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- فیض، علیرضا. مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
- قمی، مومن. مبانی تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ق.
- کاپنفر، ژان نوتل. شایعه. ترجمه خداداد موقر، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۰.
- مرعشی، محمدحسن. دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. القصاص علی ضوء القرآن و السنه. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ق.
- ملک‌افضلی اردکانی، مجتبی و بهاره کرمی. «بازاندیشی در ماهیت و شرایط تحقق بزه «نشر اکاذیب»، فصلنامه حقوق اسلامی. دوره ۲۱، شماره ۸۰، اردیبهشت ۱۴۰۳، ۷۲-۵۱.
- موذن‌زادگان، حسنعلی و سمیه نوروزی، علل و عوامل ارتکاب جرم منازعه و راه‌های پیشگیری از آن، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال دهم، شماره ۳۵، ۱۳۹۵، ۱۸۸.
- میرمحمد صادقی، حسین. حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
- نجفی، محمدحسن. جواهرالکلام. جلد ۴۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ق.
- نراقی، ملا احمد. معراج السعاده. قم: انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- DE Paulo, B. M. & others (1996), "Lying in everyday life", **Journal of personality and social psychology**, 70(5), 979.
- Brenner, Susan W. "Is There Such a Thing as virtual Crime". California, **Criminal Law Review**, 2001.